

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۳۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

روزنامه

پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴ • ۱۸ رجب ۱۴۴۷ • ۸ ژانویه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۰۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۸ • اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۵



همزمان با ششم ژانویه، مراسم مذهبی تقدس آب و عشای ربانی در کلیسای تاریخی بیت‌الحمم در محله جلفای اصفهان با حضور ارانمه ارتدوکس برگزار شد. در بخشی از این مراسم که تقدس آب نام داشت، آب تبرک‌شده با روغن مقدس بین حاضران در کلیسا توزیع شد و در بخشی دیگر نیز این عشای ربانی با آیین سیاسی‌کاری به عنوان آخرین شام حضرت مسیح برگزار شد و نان به‌عنوان نماد جسم مسیح، متبرک و هر تکه از آن نیز بین حاضران توزیع شد. عکس: رسول شجاعی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

دولت در جریان مطالبات هست؟



پویانعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

از درآمد‌های صادراتی ارزی خود را در سامانه «نیمّا» ثبت کرده و فقط اندکی از آن را برای خود بردارند. اما اکنون که نرخ‌ها یکسان شده، می‌توانند مالک سهم مقتضی و مناسبی از درآمد‌های حاصل از زحمات و تلاش‌هایشان باشند.

از سوی دیگر، وقتی این تعدد نرخ‌ها برداشته شود، طبعاً برخی صنایع که مرتبط با امرار معاش عامه مردم بودند نیز از دریافت ارز به نرخ اندک، محروم می‌شوند. مثلاً وقتی دامداران نتوانند نهاده‌های دامی را با نرخ اندک از دولت دریافت کنند، طبعاً قیمت‌تمام‌شده تولید شیر خام آنها هم افزایش می‌یابد. در قدم بعدی نیز شرکت‌های تولیدکننده لبنیات مجبورند محصولات خود را با قیمت بالاتری تولید کنند؛ چراکه شیر خام را با قیمت بیشتری خریده‌اند.

مردم عادی آن رونق در بخش بورس و صنایعی مثل پتروشیمی را نمی‌بینند، اما افزایش قیمت بنیر صبحانه خود را به‌طور مکرر و روزانه حس می‌کنند. اکنون با توجه به افزایش حدود چهاربرابری قیمت تخم‌مرغ و همچنین روغن خوراکی، مردم عادی حتی در برابر یک هوسِ پیش‌پاافتاده مانند خوردن یک نیمره هم دچار تردید می‌شوند.

دولت فعلی (و البته دو، سه دولت اخیر) تلاش می‌کرد تعداد

یارانه‌بگیران را هرچه کمتر کند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

در چند روز هفته اخیر، اتفاق‌های بی‌سابقه‌ای در عرصه اقتصاد کشور افتاده است. ابتدا بنزین نرخ سوم معرفی شد که اتفاقاً به آرامی مورد قبول مردم قرار گرفت و اعتراض خاصی در سطح جامعه مشاهده نشد.

اتفاق بعدی مربوط به مجموعه تغییراتی است که نرخ ارز در صدر آنها قرار دارد و منجر به صعود نرخ ارزهای خارجی و آنگاه افزایش لجام‌گسیخته قیمت کالاهایی مانند روغن شد.

در این فاصله اما ناآرامی‌هایی در کشور اتفاق افتاد و مردم در برخی شهرها به خیابان آمدند. این جریان از بازاریان کلید خورد. گویا توافقاتی با آنها صورت گرفت که از صحنه خارج شدند، اما مردم عادی جای آنها را در خیابان گرفتند.

بالطبع درباره ابعاد اقتصادی قضیه باید نظر متخصصان و اقتصاددان‌ها را جویا شد، اما به‌طور کلی وضعیت عمومی کشور مناسب نیست، اینجا باید تمایز قائل شد؛ چراکه هرچند قیمت روغن و برخی ارزاق عمومی چند برابر شده، اما گویا بورس تهران وضع خوبی دارد و اصطلاحاً در مدار رشد قرار گرفته است.

بالین‌حال، هر میزان که بورس دچار رونق شود، مادامی که مردم عادی اوضاع مناسبی نداشته باشند، این رونق نیز مستمر و دائمی نخواهد بود. مشکل در این است که با تغییرات در نرخ‌های ارز (و چه‌بسا از بین رفتن تعدد نرخ‌هایی همچون نیمایی، آزاد، ترجیحی و نظایر آن) عملاً برخی صنایع مانند پتروشیمی به لحاظ اقتصادی رونق پیدا می‌کنند. آنها قبلاً مجبور بودند وجوه حاصل

طنزخوانی

واژه رنگ معیشت بود



آردین‌سایرسریع

در این روزها یک‌سری کلیدواژه‌ها دائم تکرار می‌شود که امروز می‌خواهیم به تعریف این واژگان بپردازیم.

معیشت: زندگانی، ارتزاق، معاش، بخورنمیر، حق‌وق ۲۰میلیونی، تلاش برای بقا، گرفتاری، در تقابل با زندگی قرار دارد.

مثال: بالایی‌ها زندگی‌می‌کنند، پایین‌ها معیشت می‌کنند.

خوراک استوری اینستاگرام: آقای دولت، حق مردم شریف ایران این وضع معیشت نیست.

کالابُرج: کوپن تحصیل‌کرده، چیزی که به مردم امکان خرید کالاهای اساسی می‌دهد، بیا فعلاً اینو بگیر تا بعداً ببینیم چی میشه.

ارز ترجیحی: ارز ارزان، ارزی که برای واردات کالاهای اساسی داده می‌شود، عامل ایجاد عروسی در نقاط سوق‌الجیشی رانت‌خور، ابزار حمایت از واردکننده مظلوم.

همتی: شخصی که به‌خاطر افزایش قیمت دلار برکنار می‌شود بعد به هدف کاهش قیمت دلار دوباره سرکار می‌آید. ناصرالجواهر اقتصاد/ ناصرالجواهر: مری‌ سال‌های دور عربستان که معمولاً اخراج می‌شد بعد مری‌ خارجی می‌آمد، مری‌ خارجی که اخراج می‌شد ناصرالجواهر می‌آمد.

شعر مربوطه: ناصر که نوسان می‌گرفتی همه عمر/ دیدی که چگونه نوسان، ناصر گرفت.

جراحی اقتصادی: عملی که وقتی وضعیت مریض ناپایدار است انجام می‌شود، نوشدارو پس از مرگ سهراب، عمل‌کردن ربط صلیبی زائوی بیمار در شرایطی که قرص برنج خورده.

توسعه اقتصادی: جیوک ۲۰۲۴،

عامل ایجاد انبساط خاطر و گشاینده

لبخند در میان مسئولان

تراستی: قابل اعتماد، دورزننده تحریم، فروشنده نفت، مخلص، ساده‌زیست، پاکدست، دلسوز، فداکار، خانواده‌دوست. واقعا هرچه بگویم کم گفته‌ایم.

مذاکره: عملی که در گذشته به هدف بده‌بستان‌های سیاسی و اقتصادی صورت می‌گرفت. در حال حاضر «بستانش» را لولوو برده، فقط «بده»اش مانده.

برنامه و بودجه: در حال حاضر تنها سازمانش موجود است. خود برنامه و بودجه مفقود شده‌اند. از پاینده خواهشمند است به‌محض مشاهده این دو عزیز با نهادهای ذی‌ربط تماس حاصل فرمایند.

انتهای زنجیره: رجوع شود به معیشت.

یارانه نقدی: ابزار حمایتی، دلاری که برداشته می‌شود و ربالی که تقدیم می‌شود، تنها چیزی که نقدش از نسیه‌اش بهتر نیست.

هنرخوانی

صدا‌های منتقدرا حذف نکنید

جمعی از فیلم‌نامه‌نویسان سینمای ایران با صدور بیانیه‌ای، به شرایط اجتماعی-اقتصادی حاکم بر جامعه واکنش نشان دادند.

در این بیانیه آمده: اگر مهم‌ترین کار فیلم‌نامه‌نویس، نوشتن واقعیات زندگی است، نمی‌تواند در برابر مصائبی که هر روز خشن‌تر از روز پیش بر زندگی مردم تحمیل می‌شود، سکوت اختیار کند.

اعتراضات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روز‌های اخیر، نه هیچانی زودگذر، که حاصل انباشت سال‌ها نشئیدن، نادرده‌گرفتن و حذف نظام‌مند صدا‌های منتقد است.

برخورد قه‌ری با این اعتراضات راه‌حل نیست و مشکل را عمیق‌تر می‌کند. امنیت با خاموش‌کردن صدا‌ها به دست نمی‌آید و ثبات با انکار واقعیت شکل نمی‌گیرد.

ما صریح و بی‌پرده، بر حق اعتراض مسالمت‌آمیز مردم و ضرورت آزادی بیان و قلم تأکید می‌کنیم و سیاست‌های محدودکننده‌ای را که سد راه یویایی جامعه و فرهنگ‌شده‌اند، مردود می‌دانیم.

اتفاق خوانی

مردم بی‌خیال سینما شدند

هزینه تمام‌شده فیلم» بر محدودیت آثار عرضه‌شده و عدم امکان تنوع در سینما افزوده است. داودی اضافه کرد: بخش عمده این گرانی به سینما تحمیل شده است. تغییر ماهیت سرمایه در سینمای ایران در سال‌های گذشته باعث شده بخش مینایی تولیدکنندگان سینما، تهیه‌کنندگان مستقل و تهیه‌کننده کارگردانانی که تعیین‌کننده و تأمین‌کننده بخش عمده‌ای از محصولات سینمایی بودند، تقریباً به‌طور کامل از دور خارج شوند. هزینه تمام‌شده فیلم، به‌ویژه در بخش دستمزد بازیگران، به‌گونه‌ای بالا رفته که پیش‌بینی رسیدن به سرمایه اولیه و سود احتمالی برای حساب‌شده‌ترین تولیدات هم تقریباً ناممکن شده است. او هزینه پایه تهیه یک فیلم معمولی و استاندارد را حدود ۴۰ میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: برای برگشت سرمایه، این فیلم با احتساب هزینه‌های سرسام‌آور تبلیغات باید به فروشی بالای ۱۵۰ میلیارد تومان دست پیدا کند، در حالی که در سال گذشته بیش از چند محصول انگشت‌شمار نتوانستند حتی به این رقم نزدیک شوند.

ایسنا: در هفته گذشته اعتراضات سبب شد کمتر کسی به سراغ سینما برود. سخنگوی شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما با ارائه آمار نگران‌کننده‌ای از وضعیت فروش گفت: ما امسال در سینما و به‌ویژه در نیمه دوم سال نسبت به سال گذشته شاهد یک افت چشمگیر هستیم. آخرین آماری که از وضعیت عرصه نمایش سینمای ایران در دست داریم، آمار فروش آذرماه است که نسبت به همین ماه در سال گذشته، سینمای ایران بیش از ۵۵ درصد ریزش مخاطب داشته است و به‌ویژه بعد از اعتراضات اخیر، آمار یک هفته‌ای فروش سینمای ایران در مقایسه با هفته مشابه‌اش در ماه گذشته بیش از ۷۰ درصد افت کرده و از ۲۸ میلیارد به هشت میلیارد نزول کرده است و پیش‌بینی می‌شود این وضعیت تا پایان سال حتی با سیر نزولی بیشتری ادامه یابد. او مهم‌ترین دلیل این ریزش مخاطب را به جز اتفاقات هفته اخیر، شرایط اقتصادی سخت حاکم بر جامعه و یکنواخت و تکراری‌شدن اغلب موضوعات و محصولات عرضه‌شده دانست که در کنار آنها «گران‌شدن

سفرخوانی

پیچ‌وواپیچ ماجوپیچو

یواشکی از موانع جدانکننده می‌پریم تا وارد مسیر دیگری شوم که مناطق مسکونی و کوجه‌های باستانی را ببیم. به سوت و هشار و داد و هوار مسیربان خشمگین هم اعتنایی نمی‌کنم. می‌دوم و از دستش فرار می‌کنم و در جمعیت گم می‌شوم. همان‌طور که دارم از مسیربان و آموزه‌های عمو رضا فاصله می‌گیرم، با خودم استدلال می‌کنم که از ۱۵ هزار کیلومتر آن‌سوتر نیامده‌ام که فقط دو ساعت میهمان این نگین آمریکای جنوبی باشم. دشواری مسیر و خرید بلیت، شیظنت بالا را بیشتر برایم توجیه می‌کند. یک قطار گردشگری از شهر کوزکو برای رسیدن به این شهر گمشده اینجا‌ها وجود دارد که به‌خاطر بلیت ۱۵۰دلاری‌اش بی‌درنگ از گزینه‌هایم حذفش کردم. ۱۰ دلار دادم تا با یک مینی‌بوس به روستایی نزدیک ماجوپیچو بروم و از آنجا از یک مسیر جنگلی ۱۱کیلومتری خودم را به مقصد برسانم. البته گم‌شدن در این مسیر کار دشواری است؛ هم به‌خاطر اینکه مسافران کم‌خرج‌کن دیگری هم از همین مسیر تردد می‌کنند و هم اینکه در کنار یک خط آهن متروک قرار دارد که تا انتهای مسیر با این مسافران پیاده همراه است. نگرانی بعدی‌ام بلیت ورودی به ماجوپیچو بود. بلیت نداشت‌م و بلیت‌های آنلاین تا شش ماه بعد پیش‌فروش شده بودند. از بخت خوب من، در دفتر فرهنگی روستا، چندتایی بلیت لحظه آخری باقی مانده بود. درباره سفر و مسافر، دو باور و جمله قصار ساخت خودم دارم که در اوج درماندگی در سفر به خودم یادآوریشان می‌کنم؛ اول اینکه «دو کس بر زمین نمانند؛ یکی‌اش مسافر» و دوم اینکه «در سفر در لحظه آخر همه چیز درست می‌شود، به بهترین شکل ممکن». باز هم جفت‌شان تعبیر شدند. درود بر سفر.



Iran MS Society
انجمن بین‌المللی اسکلتوز ایران
(ان‌ا‌س)



هیچ مرزی برای رویاهای ما وجود ندارد.

ام اس ناتوانی نیست

کنترل ام اس با تشخیص به موقع و درمان

۰۹-۶۶۹۵۳۹۰۷ ۰۸-۶۶۹۵۱۱۸۷ www.iranms.org